

آینه

انتقاد

فرجام «بگم بگم» ها

● به نظر می‌رسد که محمود احمدی‌نژاد و یارانش می‌خواهند «افشاگری» ها را وارد فاز تازه‌ای کنند؛ فازی که رنگ و بوی تقابل با حاکمیت دارد. آنها از درون نظام به طرح مناقشاتی می‌پردازند تا همچنان در صدر اخبار قرار گیرند. افشاگری به سبک محمود از انتخابات سال ۸۴ آغاز شد و تا آذر ۹۶ ادامه یافت. پدیده‌ای که شاید از ابتدا جدی گرفته نشد اما حالا به معضلی مبدل شده که مقامات قضائی یک‌به‌یک در مورد آن اظهارنظر می‌کنند. انداز می‌دهند و تهدید می‌کنند. ...لحظه تاریخی مناظرات ۸۸ اما زمانی بود که تصمیم گرفت بار دیگر نمایش «بگم‌بگم»‌هایش را اجرا کند. پوشه‌ای در دست‌گرفت و رو به طرف دیگر منظره کرد: «آیا من می‌توانم راجع به پرونده آموزشی یک خانم صحبت کنم؟ بگویم؟ من اینجا پرونده‌های دارم برای یک خانم. شما می‌شناسید. در تبلیغات انتخاباتی کنار شما می‌نشیند.» پرونده‌ای در دست و رو به دوربین اتهام‌زنی‌ها را ادامه داد تا به زعم خودش افشاگری کند. ... شاید هرگز کسی تصور نمی‌کرد محمود احمدی‌نژادی که مناظرات انتخاباتی را به مناظره تبدیل کرد و در دهه ۸۰ ک‌نته علیه اصلاح‌طلبان و نیروهای نزدیک به آنان با پشتوانه و تشویق و تقدیر اصولگرایان قد علم کرد، یک روز رودرروی حامیان سابقش قرار گیرد و یکشنبه‌ای سیاه را برای پارلمان رقم بزند. محمود احمدی‌نژاد برای دفاع از وزیر کار دولتش به مجلس رفته بود که به دستور و تأکید مستقیم احمدی‌نژاد حاضر نبود سعید مرتضوی را از ریاست تأمین اجتماعی برکنار کند. سعید مرتضوی از منظر نمایندگان گزینۀ مناسبی برای ریاست تأمین اجتماعی نبود. کسی که نه‌تنها تخصص کافی در این زمینه را نداشت بلکه متهم به قتل بود.

مجازات

حکمت صبر نافی مصلحت کشور نیست

● سه شب پیش، پیش از آنکه تیم احمدی‌نژاد خسته از بی‌نتیجه‌بودن بست‌نشینی به افشاگری بپردازد، در همین ستون به مسئولان و عقلاء کشور هشدار دادیم. نشانه‌هایی از ورود داوردسته‌های تبهکار سیاسی و مافیای سیاست و اقتصاد به عرصه‌ای که بستر جنبش‌های اجتماعی و تحرکات لاین‌هاست دیده می‌شود و ممکن است آنها این عرصه را به پنجره ورود خود به حوزه تأثیرگذاری سیاسی تبدیل کنند. بیم بزرگ‌تر آن است که بخشی از این داستان در درون کشور نباشد و این بار نیست. تیم احمدی‌نژاد از همان زمان که یاد گرفت به داستان هولوکاست پیچید به تأثیرگرفتن‌هایی مشکوک بوده است. در گذشته در بحث‌های درونی اقتصاددانان، فارغ از بحث درباره کج‌دستی‌ها و برزیویاش‌ها، درباره اینکه سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی‌نژاد مخرب‌تر از آن است که از حماقت صرف ناشی شود حرف‌هایی جدی در میان بوده است.

۱۲۸

گرای «تحریم مجدد» به دشمن!

● غرب‌گرایان و غرب‌باوران داخلی برجام را به رغم تمام حفره‌های حقوقی – سیاسی و هزینه‌های مالمالایی که برای جامعه ایرانی به همراه داشته، نه فقط یک توافق بین‌المللی در حوزه هسته‌ای بلکه آن را آغازی برای کوچک‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجه و در مواجهه با ایالات متحده آمریکا می‌دانند. در روزهای اخیر به صورت جسسته‌گرفته شخصیت‌های سیاسی وابسته به جریان مورد اشاره تلاش کرده‌اند در لابه‌لای مطالب چاپ‌شده در روزنامه‌ها نظام را متهم به غائله‌سازی در منطقه به واسطه توانایی‌های موجود دفاعی – نظامی کنند و همانند روزهای نخست روی‌کارآمدن دولت یازدهم در تابستان ۹۲ از ضرورت تعدیل مواضع انقلابی در مقابل غرب با هدف «کاهش فشارهای بین‌المللی در قالب تحریم و تهدید» سخن به میان بیاورند. به طوری که روزنامه «جامعه فردا» یکی دیگر از حلقه‌های رسانه‌ای روزنامه‌های زنجیرهای در شماره روز گذشته، تیتریک خود را به تیتری باب عنوان «چرا باید برای موشک‌ها مذاکره کرد» برجسته کرده است و با اعلام نگرانی راجع به موفقیت خط مقاومت در مقابل تروریست‌های وابسته به آمریکا، از حاکمیت اسلامی می‌خواهد برای تحقق مطالبات عمومی! حاضر به مذاکرت موشکی با غرب شود.

آفتاب

نمایش مثل احمدی‌نژاد قالیبالی را رها کنید

● **امیر معیان:** مشکل فراروی نخبگان ما برای آغاز هر گفت‌وگوی سیاسی این است که به جای آنکه در فضای واقعی جامعه به سر ببرد بیشتر در عالم ذهنی و برداشته‌های شخصی و گروهی، خود از واقعی و نه خود واقعیت به سُر می‌برند. امیدوارم نخبگان ما این عبارت را بر من ببخشایند و خرده بگیرند. اما رفتار توده‌های ما نخبه‌وارتر است تا نخبگان ما... باهنر از نخبگان بی‌بدیل و صاحب‌تجربه جریان اصولگرایی است، طبعاً او قادر بود جایگاه بالاتری در نظام حکومتی داشته باشد حتی تا حد ریاست‌جمهوری، ولی او جاه‌طلبی معمول را ندارد و بیشتر می‌کوشد در حاشیه کمک کند. حضور باهنر همیشه به عقلانی‌شدن و اعتدال جریان اصولگرا کمک کرده است.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

روزی روزگاری داعش

رضا عبدالکریمی

جهان‌بینی داعش

جهان مورد نظر داعش، با ترکیب قواعد و قوانین جامعه عربستان قرن هفتم میلادی و اجرای آن در قرن ۲۱، از نظر زمان و مکان متوقف مانده است. داعش یک جهان‌بینی توتالیتاریستی دارد که از کثرت‌گرایی و کشته‌شدن ابوابوب المصری و ابوعمر بغدادی جایگزین آنها شد. با آغاز جنگ داخلی سوریه (که از شش بهمن ۸۹ آغاز شد) نیروهای دولت اسلامی وارد سوریه شدند و در هشت آوریل ۲۰۱۳ نام دولت اسلامی عراق و شام را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها به‌سرعت بخش‌هایی از شمال‌شرقی سوریه را تصرف کرده و شهر رقه را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کردند.

باشد و پیمان خود را محترم شمرده و یک زندگی کاملاً اسلامی داشته باشند. در این میان جنایات گروه داعش و وحشیگری‌های آنان در این مقال نمی‌گنجد. از اعدام‌های دسته‌جمعی، تصویربرداری از سربریدن اسرا، آتش‌زدن افراد، تجاوز به زنان و خرید و فروش اسرا، همگی ناشی از تلقی قرون وسطایی از زمانه است. گویا آنان در زمان مانده‌اند. جنایات آنها در کشورهای مختلف نمونه بارز نسل‌کشی است که انز‌چار همه ملت‌ها و قومیت‌های مختلف را برانگیخته است.

پایان داعش

داعش یک خروجی معنادار و تعریف‌شده در سیستم حرکت دوران گذار از منطق دوقطبی دوران جنگ سرد به منطق چندقطبی است. پیروزی درخشان بر داعش

اروپا و حفاظت از صنایع استراتژیک خود

علیرضا قربلی

چین را به کمیسیون اطلاع دهند. این امر شامل برنامه‌های بزرگ اروپا در حوزه تحقیقات، حمل‌ونقل، انرژی و برنامه فضایی گالیله نیز می‌شود. در مقابل اظهارات یونکر، فدراسیون صنایع آلمان معتقد است هرگونه کنترلی بر سرمایه‌گذاری سرانجام کارکرد اقتصاد بازارمحور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. فروش شرکت از جمله حقوق اصلی کارآفرینان و صاحبان صنایع به شمار می‌رود بنابراین محدودکردن این حق تنها در شرایطی ممکن و مشروع است که منفعت مهم‌تری از جامعه تأمین شود. حفاظت از صنایع استراتژیک برای تأمین منافع عموم جامعه درست است اما سؤال این است که آیا کنترل سرمایه‌گذاری ابزار درستی برای این هدف است؟ آیا صنایع استراتژیک آلمان بیشتر از ناحیه سرمایه‌گذاری شرکت‌های متوسط چینی در معرض تهدید قرار دارند یا از طریق شرکت‌های تحقیق و توسعه و شرکت‌های تهیه و کسب‌وسازی اطلاعات data storage چینی؟ تا چندنی پیش صنایع فولاد جزء صنایع استراتژیک تعریف می‌شد اما امروز شرکت‌های پردازش اطلاعات، استراتژیک هستند. در دهه ۱۹۸۰ هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که روزی تلفن‌های موبایل بخش استراتژیک تلقی شوند.

چاره‌جویی اروپا: کنترل سرمایه‌گذاری، ارتقای صنایع استراتژیک

برای حفاظت از صنایع استراتژیک تاکنون دو راهکار پیشنهاد شده است:

۱- کنترل تصاحب شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی؛

آمریکا، چین و روسیه در حفاظت از صنایع استراتژیک هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نمی‌دهند بنابراین اقدام مشابه از سوی اروپا یعنی جلوگیری از تصاحب صنایع استراتژیک از سوی خارجی‌ها یا سرمایه‌گذاری خارجی در این صنایع کاملاً مشروع است. اما تعیین اینکه کدام بخش یا صنعت استراتژیک به‌شمار می‌رود یا در مقابل چه کسی حفاظت شود، کار دشواری است. در فرانسه به موجب یک فرمان دولتی تصاحب شرکت‌ها در ۳۰ بخش شامل آب، انرژی، حمل‌ونقل، سلامت، آی‌تی، قمار و شرط‌بندی‌ها و ارتباطات نیازمند تأیید دولت است. کارشناسان معتقدند باید سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر مبنای منافع ملی مورد ارزیابی قرار گیرد.

وابستگی انحصاری اروپا به گاز روسیه نشان داد راهایی از این نوع وابستگی‌ها نیازمند تلاش زیادی است. ملاحظات زیادی در رابطه با وابستگی صنایع استراتژیک به خارج به‌ویژه به شرکت‌های دولتی خارجی وجود دارد. شرکت هوای به‌طور اسمی یک شرکت خصوصی

politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

بیش از هرکسی، متعلق به ملت ایران و کشورهای اسلامی داشته باشند. در این میان جنایات گروه داعش و وحشیگری‌های آنان در این مقال نمی‌گنجد. از اعدام‌های دسته‌جمعی، تصویربرداری از سربریدن اسرا، آتش‌زدن افراد، تجاوز به زنان و خرید و فروش اسرا، همگی ناشی از تلقی قرون وسطایی از زمانه است. گویا آنان در زمان مانده‌اند. جنایات آنها در کشورهای مختلف نمونه بارز نسل‌کشی است مانند داستان القاعده، داعش هم در یک بافت و موضوعی دیگر بازتولید شود.

داعش و گروه‌هایی نظیر آن در مقام تمثیل مانند ویروس هستند؛ از این نمی‌روند بلکه به حالت برزخ‌گونه و زمانی‌که بتوانند در یک فضای مناسب رشد کنند، تأثیرات خود را احیا می‌کنند.

چینی است. آمریکایی‌ها به‌دلیل سوءظن به این شرکت، بسیاری از پیشنهادهای این شرکت در آمریکا را مسدود کردند. اما برعکس اروپایی‌ها به‌راحتی اجازه دادند این شرکت وارد شبکه‌های سراسر اروپا شود. کمیته سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا CFIUS از ۱۹۷۵ کار خود را شروع کرد و ۱۶ سازمان در آن عضویت دارند. اما اروپا در این زمینه حتی به‌کمترین نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی به‌معنای آن نیست که اروپا بلافاصله به سیاست‌های حمایتی اقتصادی روی می‌آورد. اروپا باید سازوکاری برای نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کند. اما ایجاد این سازوکار نباید موجب شود شرکت دنون لبنیات فرانسه که خارجی‌ها زمانی به آن چشم دوخته بودند، از سوی قانون‌گذاری فرانسوی به‌عنوان صنایع استراتژیک معرفی شود؛ به‌هرحال حتی با ایجاد سازوکار کنترل سرمایه‌گذاری خارجی همچنان اروپا اولین مقصد سرمایه‌گذاری خارجی FDI است.

۲- ارتقای صنایع استراتژیک

عده‌ای معتقدند جذب سرمایه‌گذاری خارجی امری اجتناب‌ناپذیر است، به‌همین‌دلیل اروپا به‌جای حفاظت از صنایع استراتژیک خود باید آنها را ارتقا دهد. از کشتی‌سازی تا قطارهایی با سرعت بالا، اتومبیل‌های برقی و صنایع هوافضای اروپایی در نوآوری همواره پیشگام بوده‌اند، اما اکنون با رقبای جدیدی روبه‌رو شده‌اند؛ برای مثال چین در زمینه کشتی‌سازی، قطار و هوافضا؛ هند در اکتشاف فضا و بیوتکنولوژی، برزیل، کانادا و روسیه در زمینه ساخت هواپیماهای کوچک رقبای جدی اروپا هستند.

فضای رقابتی جدید موجب شده است شرکت‌های اروپایی تصمیم‌های مهمی بگیرند؛ برای مثال آلمان و فرانسه تصمیم گرفتند شرکت‌های زیمنس و آلستوم تولیدکننده قطارهای پرسرعت را در هم ادغام کنند یا ادغام شرکت‌های تولیدکننده کشتی فرانسه و ایتالیا، شرکت اروپایی ایرباس نیز تصمیم گرفته است در چین و آمریکا کارخانه تولید هواپیما تأسیس کند.

منع‌کردن خارجی‌ها از سرمایه‌گذاری در بعضی از بخش‌های صنعتی اروپا در درازمدت مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. برای رفع این مشکل اروپا اقداماتی در پیش گرفته است از جمله حفاظت از برندها و مارک‌های اروپایی، تجمعیم شرکت‌های اروپایی که قبلاً رقیب یکدیگر بودند، مثل ادغام اخیر زیمنس و آلستوم و تشویق و ارتقای مشترک محصولات اروپایی به‌جای رقابت‌های محلی یا یکدیگر.

دریچه

تلگرام‌نویسی

و حضور اقلیت‌ها

جلال رحمانی

● تلگرام‌نویسی گونه‌ای روایت‌کردن زندگی و نوعی حضور حماسی در فضای مجازی است. حماسی به این دلیل که حضور در فضای مجازی مانند کشف قاره جدید به حماسه برای فتح قلمروهای ناشناخته نیاز دارد و مانند اقلیت‌ها یا ماجراجویان اروپایی که در موطن اولیه خود از موقعیت مناسب برخوردار نبودند و به‌همین‌دلیل مهاجرت به سرزمین ناشناخته (قاره آمریکا) را برگزیدند، تلگرام‌نویسی نیز نوعی کوچ فرهنگی از موطنی است که جایگاه مناسبی برای حضور اقلیت‌های فرهنگی- اجتماعی در آن وجود ندارد. کوچیدن از قلمرو واقعیت‌ها به عرصه مجاز، جوانان و زنان دو قشری هستند که بیشترین استفاده را از تلگرام دارند. اما حضور این دو قشر در بدو امر همین چه نکته‌ای است؟ زنان و جوانان هر دو در یک سوسی شکاف فرهنگی ایستاده‌اند و هر دو نوعی اقلیت فرهنگی در جامعه ایرانی محسوب می‌شوند. زنان در مقابل اقتدار مردانه جامعه و جوانان در برابر اقتدار جامعه بزرگسالان، هر دو در موقعیتی فرودست قرار دارند. هر دو امکانات و پتانسیل‌هایی برای خودبیابگری در متن جامعه، دچار محدودیت‌هایی هستند. هر دو درگیر جدال‌های ناشی از نابرابری‌های جنسیتی و سنی هستند. این موقعیت است که این دو قشر را به جهانی مجازی پرتاب می‌کند. جهان مجازی جهانی است که به آداب مردانه و بزرگسالان نیاز ندارد و زنان و جوانان بدون آنکه تربیتی و آدابی بجویند به‌راحتی می‌توانند خودشان باشند. این است که در فقدان عرصه عمومی که زنان و جوانان مسائل و مشکلات خصوصی‌شان را در آن بازگو کنند به عرصه‌های عمومی مجازی روی می‌آورند. عرصه‌هایی که دنیای خصوصی و عمومی در آن درهم‌تنیده است.



اجازه دهید از اصطلاح پرسه‌زنی برای زنانی که در فضای مجازی زندگی می‌کنند استفاده کنم. با این تفاوت که پرسه‌زنی زنان در شهر واجد محدودیت‌هایی است که جامعه اعمال می‌کند، اما پرسه‌زنی در فضای مجازی بار تبعیض جنسیتی چندانی ندارد. شاید بهتر باشد بگویم فاقد تبعیض جنسیتی است. زنان پرسه‌زن بدون ترک صندلی راحت خود و بدون ورود در شهر از طریق رسانه‌ها و اینترنت در گروه‌ها کانال‌ها بحث و گردش می‌کنند و تانجاکه به بحث ما مربوط می‌شود از طریق تلگرام‌گردی و تلگرام‌نویسی هویت‌های متعددی برای خود فراهم می‌کنند. زن پرسه‌زن در فضای مجازی اگرچه می‌خواهد خود را بنمایاند و به دیگران شناساند، درعین‌حال در گمنامی جدید به سر می‌برد. او همواره میل به ناشناخته‌ماندن و پنهان‌کردن هویت خود دارد.

اما این میل عدم تعلق به هویت‌های ثبات‌یافته در زنان از کجا ریشه می‌گیرد؟ این میل در برابر هویت سخت و متصلبی پدید می‌آید که در جهان مردانه برای زنان از پیش تعیین شده است. میل به سرگردانی و در گمنامی درعین‌حال میل به شناخته‌شدن، از تضادهای عمیق در زندگی روزمره زنان حکایت دارد. همان‌طور که دورتی اسمیت نیز گفته است، زنان در خط حایل بین دنیای مردانه و جهان زنانه در نوسان‌اند و این تلون‌پذیری و زندگی در خط گسل کاملاً با زندگی مجازی هماهنگ است، چراکه تلگرام‌نویسی جز این نیست که تجربه در خط گسل‌بودن را عمیق‌تر می‌کند؛ زندگی‌ای با هویت سیال و موجودیتی غیرواقعی.

موجود تلگرامی می‌تواند هویت خود را به هر شکلی که مایل است بسازد. او به مدد قدرت تفکیکش می‌تواند جهان خود را فراتر سازد و قلمروهای خود را در جهان مجازی در برابر جهان واقعی شکل دهد. بنابراین گسترش تلگرام‌نویسی زنان می‌تواند به معنای مقاومت در برابر واقعیت‌های متصلب زندگی مردانه باشد.

گسترش فضای مجازی، خصوصاً تلگرام مرزهای عرصه عمومی و خصوصی را تیره و مبهم کرده است. در اینجا تفکیک چندانی بین این دو عرصه وجود ندارد. این دو فضا درهم‌تنیده‌اند. ضمن آنکه باید اعتراف کرد یک فضا هم نیستند. شاید زنان دریافته باشند این درهم‌تنیدگی فضای خصوصی و عمومی است که می‌تواند از هر دو فضا جنسیت‌زدایی کند.